

روراستی با مردم

هر فردی در هر مسؤولیتی که بر عهده دارد باید بر این باور که نمی توان سر مردم کلاه گذاشت و آنها را به لطایف الحیل سرگرم کرد ایمان داشته باشد. باید با تمام وجود درک کند که لازمه موفقیت و ادامه مسؤولیت، روراستی با مردم است. هر مسؤولی که بر این امر معتقد باشد می تواند نسبت به موفقیت خود و مجموعه تحت او امرش امیدوار باشد و اگر در ادامه راه ببیند که گشایشی در کارش نبوده و به آنچه که باید می رسید دست پیدا نکرده است باید به دنبال علت ها بگردد و در میزان و صحت باور خود به قوه فهم و تشخیص مردم شک بکند.

اگر مدیران در هر عرصه ای که باشند با ناکامی و عدم موفقیت روبرو شوند باور نداشتن فهم و قوه درک مردم از دلایل اصلی این کار می تواند به شمار آید و چنین می شود که برخی از مدیران به جای پرداختن به مسؤولیت اصلی و حل مشکلات موجود بر سر راه خدمت صادقانه به مردم، به دنبال کار خود می روند و کاری می کنند تا حوزه مسؤولیتی خود را به دکان دو نبشی تبدیل کنند و آنها می اندیشند که با ترتیب دادن چند مصاحبه و ارائه لیستی از خدمات بر روی کاغذ و ردیف نمودن مثنی آمار و ارقام غیر واقعی می توانند هم مسؤولان رده بالای خود را به نوعی گول بزنند و هم در کلاه گذاشتن بر سر مردم حرفه ای عمل نمایند.

ممکن است در مواقعی نادر و در صورتی که مسؤولان رده بالا از جنس خودشان باشند بتوانند در گمراه کردن آنها موفق باشند ولی جای هیچ شک و تردیدی وجود ندارد که کلاه گذاشتن بر سر مردم به آسانی در دسترس قرار نمی گیرد. مردم به خوبی قادر هستند فرق خادم و سیاهکار، خدمتگزار و زبان باز ریاکار و راستگو از دروغگو و ... را تشخیص بدهند و قضاوتی را که باید و لازم است انجام بدهند.

هر کس در هر جایگاهی که قرار گرفته و مسؤولیتی بر عهده اش می باشد اگر می خواهد خدمت بکند و فردای قیامت در پیشگاه احدیت احساس شرمندگی نکند و آبروی خود را نزد خلق خداوند حفظ نماید باید به جای طفره رفتن از زیر بار حقیقت و دروغ گفتن و حرف های مفت و بی اساس زدن و ... با مردم روراست باشد و هر آنچه واقعیت است با مردم در میان بگذارد و خدمت مخلصانه و بی ریا را در راس فعالیت های خود قرار بدهد.

اگر مسؤول به کاری که انجام می دهد ایمان و اعتقاد قلبی داشته باشد و وجدانش مهر تائید بر عملکردش بزند از قضاوت و تبلیغات

منفی احدی با کی به دل راه نمی دهد و علی رغم کارشکنی ها و بی مهری ها با تدبیر و با عشق جلب رضایت مردم و خدا به کارش ادامه می دهد. وقتی انسان در چنین فضایی قرار می گیرد اطمینان پیدا می کند که مردم بهترین قاضی هستند و می توانند مسائل را به خوبی درک و ارزیابی نمایند.

همه مکالمات این نوشتار می تواند در مورد مدیرانی که در عرصه های مختلف انجام وظیفه می کنند صادق باشد و ورزش نیز جدای از آنها نبوده و نیست.

آمار که در رشته های مختلف ورزشی برای جامعه و افکار عمومی ارائه می شود باید بر پایه واقعیت های موجود باشد. اگر گزارشی از عملکردها منتشر می شود نیازی به جو سازی های کاذب و تحت تاثیر قرار دادن افکار نبوده و نیست، بزرگنمایی ها و برتر دانستن خود و مجموعه تحت مدیریت، نقشی در کارآمد نشان دادن و در نهایت تائید مردم نمی تواند داشته باشد.

اگر با مردم روراست باشیم حمایت و رضایت آنها می تواند پشتیبان خوبی برای ادامه مسیر باشد و اگر در برخورد با آنها به دروغ متوسل شویم و آمارهای کذب و غیر واقعی را برای خود کارنامه به حساب آوریم عواقب بسیار خطرناکی برای یک مسئول و یا مدیر ورزشی می تواند به دنبال داشته باشد و آن هم از دست دادن اعتماد مردم است. آن چیزی که امروز در صحنه ورزش مشاهده می شود رسوایی کسانی است که در سایه دروغ و حرف های بی اساس و وعده های بی پایه مدت ها با افکار مردم بازی کرده اند و چون به مرور عدم صداقت آنها در جامعه رونمایی می شود حنایشان رنگ باخته و با پشت کردن مردم به خود مواجه می شوند.

به هر حال طرز تفکر روراستی باید از راس تا قاعده هرم مدیریتی ورزش جاری و ساری شود و زمانی که این فکر در جامعه ورزش حاکم گردد دیگر جایی برای بلندگوها، خودفروخته ها و نان به نرخ روز خورها نخواهد بود. پرهیز از هرگونه خودنمایی و روراستی با مردم ضامنی برای ادامه خدمات مطلوب و جذب حمایت و پشتیبانی جامعه ورزش و ورزشکاران می باشد.